

روش‌شناسی مستشرقان در تفسیر قرآن و بررسی سنت

علی رضا نوبری*

دانشجوی دکتری قرآن و متون دانشگاه معارف اسلامی قم

چکیده

مستشرقان در بررسی معارف قرآن و آموزه‌های اسلام از روش‌های گوناگونی، مانند روش پدیدارشناسی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، معناشناسی و روش تطبیقی بهره گرفته‌اند. هر یک از این روش‌ها سهمی از واقع‌نمایی را دارند؛ اما اگر به تنهایی و بدون بهره‌گیری از روش‌های دیگر - به عنوان مکمل - باشند و به ویژه اگر به صورت ناقص و انحصاری به کار گرفته شوند، نتایج ناقص و غلطی را در پی خواهند داشت.

واژه‌های اصلی: قرآن، روش‌شناسی، مستشرقان، تفسیر قرآن، سنت.

درآمد

محققان در هر پروژه تحقیقی اهدافی را پی می‌گیرند. سرعت رسیدن به این اهداف و دقت در خارج نشدن از مسیر درست پژوهش، در سایه روشمند بودن عملیات پژوهشی مقدور می‌باشد.

تجربه نشان داده است هر پژوهشی که روش مناسب نداشته باشد، با شکست روبه‌رو می‌شود، زیرا روش تحقیق به سان منطق تحقیق می‌باشد؛ همان طور که منطق توسط قوانینی، درست اندیشیدن را سامان می‌دهد، روش تحقیق نیز قواعدی را برای تحقیق درست عرضه می‌کند.

به عبارت دیگر داشتن روش مشخص و ضابطه‌مند پژوهشگر را در چارچوب صحیح تحقیق نگه می‌دارد و مسیر رسیدن او به نتایج منطقی را آسان می‌سازد. تحقیقات در واقع مجموعه‌ای از تلاش‌های پدیده‌مند و گسترده همراه با کاربری روش‌های گوناگون برای کسب اطلاعات هرچه بیشتر است. در این کار هدف این است که برای هر زمینه پرسش یا مجهولی با استفاده از راه و روش کارآمد، پاسخی به دست آید.

در تعریف روش آمده است:

«چگونگی گردآوری اطلاعات و پردازش آنها به منظور انجام کاری نو، بر روی متن یا موضوعی کار نشده یا حل مسئله‌ای حل نشده» (نکونام، جعفر، روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی، ص ۳).

خاورشناسان برای آسان شدن امر پژوهش و رسیدن به نتایج مطلوب از روش‌های متنوع بهره‌جسته‌اند. نقائص روش‌های مورد استفاده آن‌ها زمانی خودنمایی می‌کند که به نتایج متضاد به دست آمده توسط آن‌ها در موضوعات قرآنی - اسلامی توجه شود.

بررسی‌های ما در آثار برخی خاورشناسان گویای استفاده آنان از چند روش (از جمله: روش پدیدارشناسی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، زبان‌شناسی یا معناشناسی و روش تطبیق) است.

۱. روش پدیدارشناسی

مفهوم پدیدار در واژه پدیدارشناسی تعریف‌های متفاوتی را به خود دیده است. گاهی مفهوم پدیدار را به معنای خصوصیات موهوم ادراک انسان دانسته‌اند، زمانی آن را «شیء» برای ما در برابر شیء برای خود» و روزگاری آن را به واقعیت تعریف کرده‌اند (رژه و رنو و دیگران، پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن، مجله فرهنگ، ش ۱۱، پاییز ۱۳۷۱؛ همان و پدیدارشناسی (۱)، ش ۱۸، تابستان ۱۳۷۲، پدیدارشناسی (۲) و «پدیدارشناسی» اثر میرچا الیاده ترجمه بهزاد سالکی). در زمان حاضر معنای اخیر واژه پدیدارشناسی رواج یافته است، یعنی «تحقیق توصیفی صرف در باب موضوعی معین».

پدیدارشناسی غیر از پدیدار انگاری است. در مفهوم دوم اوصاف ظاهر و محسوس پدیده مورد دقت قرار می‌گیرد؛ در حالی که فلسفه به وجود آمدن این مفهوم (پدیدارشناسی) در روش، دور شدن از ظاهرگرایی صرف است (فرامز قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۳۲۳).

در تعریف پدیدارشناسی باید گفت:

«روشی است که در آن پژوهشگر تلاش می‌کند بدون دخالت دادن فرضیه‌ها و تحلیل‌ها، صرفاً به جمع‌آوری و توصیف پدیده‌ها بپردازد. به عبارت دیگر در پدیدارشناسی تحلیل صورت نمی‌گیرد بلکه آن چه هست توصیف واقع است» (همو، ص ۳۲۴).

در انتخاب این روش نتایج به دست آمده، نزدیک به واقع است و نتایج ناصحیح در آن، اغلب بر اثر گستره تتبع می‌باشد. استفاده از این روش باعث شده

است برخی از خاورشناسان در مقابل گروه دیگر از همکاران خود، بایستند و به شبهات آنها در حوزه اسلام‌شناسی پاسخ دهند.

در رابطه با اهمیت پرداختن به این روش دانشمند هلندی «آدریان رلاند» (Adrian Reland) در سیصد سال قبل، (۱۷۰۵ م) در کتاب خود که به لاتین و درباره دین اسلام نوشت، تأکید کرد: برای نگرش واقع‌گرایانه به اسلام و رسیدن به فهم صحیح از آن، باید آن را همان‌گونه که در مدارس و مساجد اسلام تدریس می‌شود، مطالعه کرد.

وی در این کتاب به این نتیجه می‌رسد که اسلام آن‌گونه که بسیاری از مسیحیان می‌پندارند، دین گستاخ و مضحکی نیست و آن‌گونه که آنها می‌پندارند، مسلمانان دیوانه نیستند (حمدی زقزوق، محمود، اسلام و غرب، ص ۹۳).

«اندره ریپین» دیگر خاورشناسی است که با بهره‌گیری از این روش در مقاله‌ای با عنوان «رنگ‌ها» در دایرةالمعارف قرآن لیدن که همراه با پژوهشی به نسبت جامع می‌باشد، تفسیر مناسب و منطقی را از برخی آیات دارای مفاهیم رنگ‌ها به دست می‌آورد.

وی هنگامی که سخن از رنگ آبی به میان می‌آورد، با بیان آیه ۱۰۲ سوره ۲۰ قرآن [طه] که از گنه‌کاران سخن به میان می‌آورد و آنها را به «زرقان» یعنی چشم آبی توصیف می‌نماید، می‌نویسد:

«حتی ممکن است ارتباطی میان درمان پزشکی آب مروارید داشته باشد که رنگ چشم را به آبی یا حتی خاکستری یا سبز تبدیل می‌کند».

در ادامه به گفته «آ. مورابیا» که رنگ آبی را سحرآمیز، بدشگون و ویران‌کننده خوانده است، اشاره می‌کند و زیبایی بیان قرآن را در مورد توصیف چشمان جهنمیان گنه‌کار به چشم‌آبی در قرآن آشکار می‌نماید (ر.ک. به: جمعی از

مستشرقان، دایرةالمعارف قرآن لیدن، مقاله رنگ‌ها).

برخی مستشرقان برای همسوسدن با جهان اسلام استفاده از این روش را پیشنهاد کرده و آن را در جهان کنونی امری الزامی معرفی می‌کنند (ر.ک. به: بورلو، ژوزف، تمدن اسلامی).

مونتگمری وات از خاورشناسانی است که گرچه در برخی آثار خود استفاده از این روش را کنار گذاشته و به نتایجی برگرفته از پیش‌فرض‌های باطل قرون وسطایی رسیده است، ولی در مقدمه کتاب «درآمدی بر تاریخ قرآن» که آن را بازنگری کرده است، استفاده این روش را تلویحاً تأکید می‌کند و می‌نویسد:

«اینک ادب و جهان‌نگری مسالمت‌جویانه قطعاً ایجاب می‌کند که ما نباید از قرآن به عنوان فرآوردهٔ ذهن و ضمیر حضرت محمد ﷺ سخن بگوییم...» (بل، ریچارد، درآمدی بر تاریخ قرآن، ص ۱۸).

از قرن ۱۷ به بعد مستشرقان منصف و اسلام‌شناسان عقل‌گرا ظهور کردند مانند: ریچارد سیمول که عقاید و آداب مسلمانان را تحسین و پیتربایل نظریات غربیان را نسبت به اسلام به نقد کشیده است (زمانی، محمد حسین، آشنایی با مستشرقان، ص ۱۴۴ - ۱۴۷).

به هر حال استفاده از این روش در مطالعات قرآنی و تاریخ اسلام می‌تواند زمینه‌های مناسبی را برای گفت و گوهای بین‌ادیانی فراهم آورد.

۲. روش جامعه‌شناختی

از آن‌جا که دین یک واقعیت اجتماعی است و دین‌داری از عوامل اجتماعی متأثر می‌باشد و آثار متعدد اجتماعی نیز همراه دارد، مورد توجه جامعه‌شناسان و پژوهشگران با رویکرد جامعه‌شناختی قرار گرفته است.

روش جامعه‌شناختی روشی است که در آن پژوهشگر به تحلیل جامعه زمان

نزول قرآن و تبیین موارد پنهان و تأثیرگذار فرهنگ آن زمان و تأثیرپذیری آن از قرآن می‌باشد (ژرف، مشهود، مقاله ساختارهای اندیشه‌اسطوره‌ای اعراب، ص ۲۵).
 استفاده از این روش در آثار خاورشناسان به صورت گسترده یافت می‌شود. آنچه باعث شده این آثار راه انحراف را پیش گیرند، داشتن پیش‌فرض‌های ناصواب مانند: بشری بودن قرآن، یا قابلیت تأثیرپذیری آن از فرهنگ زمانه می‌باشد.
 خاورشناسان با استفاده از این روش به بررسی باورهای مردم دوران جاهلیت پرداخته و به اثبات تأثیر آن باورها در آیات کریم اقدام کرده‌اند.
 موننگمری وات در کتاب «محمد، پیامبر و سیاستمدار» می‌نویسد:

«به خوبی آشکار است که نهضت دینی اسلام زاینده اوضاع و شرایط مکه در زمان محمد است. یک دین جدید بی‌انگیزه و محرک به وجود نمی‌آید...»
 (موننگمری وات، ویلیام، محمد، پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۶).

وی در همین کتاب به بررسی تأثیر قرآن بر جامعه زمان نزول می‌پردازد و می‌نویسد:

«[محمد] در روزگار خود و برای نسل خود مصلح اجتماعی و حتی مصلح عالم اخلاق به شمار می‌رفت. نظام امنیت اجتماعی جدید و همچنین سازمان نوین خانواده که او به وجود آورد هر دو از آنچه در سابق وجود داشت پیشرفته‌تر و مترقی‌تر بود» (همو، ص ۲۹۲).

وات در ادامه، تحلیل اشتباه خود را که به صورت متعدد مرتکب شده است، تکرار می‌کند و چنین در بیان مطالب سودمند پیامبر ﷺ در رابطه با نظام‌های اجتماعی و خانوادگی و حتی اخلاقی را برگرفته از اخلاق‌های پسندیده بدویان مکه و مدینه می‌داند. او می‌نویسد:

«با انتخاب نکات اخلاقی پسندیده از بدویان و منطبق کردن آنها با احوال جامعه، دین و سرمشق اجتماعی جدیدی برای زندگی نژادهای مختلف بشری بنیاد کرد...» (همو، ص ۲۹۳).

تعبیر «انتخاب» در این عبارت که به پیامبر ﷺ نسبت داده شده، تحلیلی است که وی از بازتاب فرهنگ زمانه و به گزینش شخص پیامبر ﷺ در قرآن کریم دارد؛ به عبارت دیگر قرآن تجلی مباحث فرهنگی زمان نزول خود و به انتخاب پیامبر ﷺ می‌باشد؛ گرچه در این کار پیامبر نظری اصلاحگرانه دارد؛ نه شیادمانه. گرچه در این نوشتار قصد نقد و بررسی آن مطالب را نداریم، ولی برای این که خواننده محترم بداند که بر قرآن کریم با فرهنگ زمانه چه برخوردی داشته است، باید گفت قرآن کریم با توجه به حقیقت‌پروری خود در بیان و ارایه مطالب و سامان دادن دینی مطابق با واقع، عناصر مثبت فرهنگ زمان نزول را قبول و عناصر منفی آن زمان را طرد می‌کند. در واقع قرآن کریم سه‌گونه برخورد با عناصر فرهنگ زمان نزول دارد (ر.ک. به: رضایی، محمدعلی، مقاله «قرآن و فرهنگ زمانه»، فصلنامه معرفت، شماره ۲۶).

الف) پذیرش و تکامل بخشیدن به عناصر مثبت برجای مانده از ادیان ابراهیمی، مانند: اعتقاد به خدا، فرشته، جن و

ب) مردود دانستن عناصر منفی و خرافات اعراب جاهلی: مثل عبادات جاهلی (انفال / ۳۵)، رد عقاید جاهلی (انفال / ۱۰۰)، مذمت اخلاق ناپسند جاهلی (تکویر / ۹) و

ج) استفاده کردن از تشبیهات قوم و لغات آن‌ها به منظور تفهیم بهتر مقاصد بلند خود: بهره جستن مصلحان دین و پیامبران الهی از زبان و گویش‌های برتر قوم خود و استفاده از تمثیلات و تشبیهات آن‌ها امری عقلایی است؛ چرا که اگر چنین نباشد، تفهیم و تفاهم عرفی شکل نمی‌گیرد و در واقع نقض غرض از ارسال رسل لازم می‌آید.

نکته قابل ذکر این که وات و بسیاری دیگر از خاورشناسان تأثیرگذاری قرآن

را بر جامعه زمان نزول می‌پذیرند، ولی به علت پیش گفته این را قطعی پنداشته‌اند که این تأثیرگذاری، بعد از گزینش‌های پیامبر از مسایل فرهنگی زمان خود و ایجاد تغییرات کاربردی در آن‌ها، می‌باشد.

پژوهشگر برای دور شدن از این انحراف باید پیش‌فرضی را که قابل دفاع است، انتخاب کند؛ پیش‌فرضی که الهی بودن قرآن را ثابت می‌داند. با این انتخاب می‌تواند تبیینی منطقی و مطابق با واقع از آیات کریمه قرآن که در بردارنده مباحث متعدد جامعه‌شناسی، مانند سنت‌های تاریخ، گروه‌های مرجع و... باشد. این اقدام می‌تواند فضای جدیدی را در حوزه علم جامعه‌شناسی به روی عالمان این رشته بگشاید. به تعبیر دیگر اگرچه استخدام روش جامعه‌شناسی غیر الهی در شناسایی معارف اسلام و قرآن از نظر خود وات صحیح و قابل دفاع است، اما چون منطبق به واقعیت و حیانی قرآن و اسلام نیست، شناخت‌های ناقص و غلط را در پی خواهد آورد.

۳. روش روان‌شناختی

به روشی که در آن پژوهشگر تحلیلی از ارتباط و سنخیت بین موضوعات اندیشه‌ای و رفتاری یک شخص و ویژگی‌ها و ساختار روحی و روانی ارائه می‌دهد، روش روان‌شناختی گفته می‌شود.

مستشرقان در مطالعات خود به جنبه‌های مختلفی مانند تلقی وحی، روحیات شخصیتی، تجربه و حیانی، علل پذیرش دین از طرف مردم و... پرداخته‌اند. آن‌ها در این بررسی‌ها به دنبال روشن کردن جنبه‌های پنهان و تاریک علل ظهور دین اسلام و پذیرش گسترده آن و تأثیرات آموزه‌هایش بر افراد در کوتاه‌ترین زمان بوده‌اند.

نتایج حاصل از این روش پژوهشی به نوع پیش‌فرض‌های محقق بستگی داشته است؛ گروهی نتیجه گرفته‌اند پیامبر دستخوش هیجانات و عواطف شدید

بود تا جایی که باور می‌کند با عالم ماوراء و غیب و الوهیت در ارتباط است (بل، ریچارد، همان، ص ۴۶).

افرادی دیگر مانند مونتگمری وات برخورد اولیه پیام‌رسان وحی را با پیامبر ﷺ یک تجربه ورؤیای محرک و تأثیرگذار می‌دانند و در این مورد به آیاتی از قرآن استدلال می‌کنند. وات در ادامه تغییر نام پیام‌رسان وحی را در قرآن از خداپنداری (شوری / ۵۱) آن به روح‌انگاری (شعرا / ۱۹۶ - ۱۹۴) و در نهایت جبرئیل‌خوانی (بقره / ۹۷) آن، نتیجه تکمیل اطلاعات پیامبر از آموزه‌های یهود می‌داند.

وات این سیر تحول را عاملی برای اعتماد و ایمان پیدا کردن حضرت به پیامبری خود می‌داند.

وی در کتاب «محمد، پیامبر و سیاستمدار» به دنبال تحلیل بالا، مدعی می‌شود که اگر رؤیاها و تجلیات تخیلی جبرئیل نبود، او قصد خودکشی داشت (مونتگمری وات، ویلیام، محمد، پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۷ و ۱۸).

او این ادعا را به روایاتی مستند می‌کند که مدرکی از آن‌ها به دست نمی‌دهد؛ گرچه برخی مدارک ضعیفی در کتب اهل سنت وجود دارد.

استفاده مستشرقان از این روش در تحقیقات تاریخی که همراه با پیش‌فرض‌های ناصواب قرون وسطایی همراه بوده است، باعث می‌شود چنین برداشتی داشته باشند که پیامبر اسلام و بلکه همه انبیاء در واقع افرادی دارای تخیل خلاق بودند که نیازمندی‌های اجتماع خود را درک می‌کردند و با نیروی خلاق خود قوانینی را به منظور سامان‌دهی وضع موجود وضع می‌کردند (همو، ص ۲۹۷).

باید گفت این برداشت را همه مستشرقان تأیید نکرده‌اند، بلکه افرادی مانند توماس کارلایل با استفاده از همین روش، ولی پیش‌فرض‌هایی معتدل‌تر، ثابت

کرده‌اند که پیامبر اسلام فرد جاه‌طلبی نبود و شهوات نفسانی نمی‌توانست عامل ادعاهای رسالی او باشد؛ بلکه تنها ایمان عمیق به مأموریت بود که باعث شد محمد حاضر شود آن سختی‌های جان‌کاه و آزارهای ایام اقامت خود در مکه را تحمل کند. در حالی که از نقطه نظر اوضاع جاری امید موفقیت در ادامه کار در آن شرایط بسیار اندک بود (همو، ص ۲۹۱).

تور آندرانه نیز با یک تحلیل مناسب روان‌شناختی تجربه حضرت را تجربه‌ای راستین می‌داند و به این باور می‌رسد که وی برای روزگار و نسل خود پیام پیامبرانه داشت (ریچارد بل، همان، ص ۴۷).

استفاده صحیح و به کارگیری قواعد درست باعث می‌شود تحلیلی مناسب از روحيات حضرت و تأثیر آن بر روند رو به رشد دین نوپای اسلام و برداشتی مناسب و تفسیری نو از آیات به دست دهد؛ رهیافتی که می‌تواند قرآن کریم را به عنوان کتابی فرا بشری و دارای نظریات متقن و موافق با آفرینش به جامعه علمی در حوزه روان‌شناختی معرفی نماید.

این تحلیل واقعی و صحیح از روحيات عرفانی و وحیانی پیامبراکرم می‌تواند پایه محکمی برای بهره‌برداری صحیح از مباحث و گزاره‌های روان‌شناسی قرآن نیز باشد، مباحثی مانند: روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی تربیت، روان‌شناسی مدیریت، روان‌شناسی جنگ، اصول و مبانی روان‌شناسی و... این‌ها مباحثی‌اند که آیات زیادی از قرآن دارای آن‌ها می‌باشند و با ایجاد کارگروه‌های تخصصی و تعریف پیش‌فرض‌های درست، قابلیت بروز و ظهور دارند.

۴. روش تطبیق یا مقایسه

دو مطلب کلیدی در روش تطبیق وجود دارد:

اول - شناخت دو یا چند پدیدار یا دیدگاه که هدف مطالعه تطبیقی‌اند.

دوم - فهم و تبیین مواضع خلاف و وفاق آن‌ها.

در واقع باید گفت بررسی مقایسه‌ای، چیزی جز توصیف و تبیین مواضع خلاف و وفاق واقعی بین امور مقایسه شده نیست (قراملکی، همان، ص ۲۹۴) و مطلب دوم در واقع روش رسیدن به شناخت واقعی یک پدیده و دیدگاه می‌باشد. با توجه به این مقدمه در تعریف این روش باید گفت:

«روش مقایسه، روشی است که پژوهشگر با مقایسه بین دو یا چند پدیده، دیدگاه، یا عملکرد، به دنبال شناختی سالم و ژرف از موضوع می‌باشد».

این روش نخستین بار در علوم طبیعی به خصوص در گیاه‌شناسی به کار گرفته شد و دانشمندان در رده‌بندی گیاهان و شناخت صفات و خواص آن‌ها از آن بهره جستند.

استفاده از این روش در علوم انسانی در سال ۱۷۹۵ م آغاز گردید (قائمی، علی، روش تحقیق در یک مکتب، ص ۲۹۵). این روش در بررسی مکاتب و ادیان استفاده‌های متنوعی دارد، از جمله: مقایسه احکام و تعالیم یک دین با دیگر ادیان، مقایسه ایدئولوژی‌های ادیان، مقایسه معارف علمی مطرح در ادیان و ...

از ویژگی‌های این روش موارد زیر را می‌توان نام برد:

دوری از حصرگرایی، روشن کردن ابعاد ناپیدای موضوع تحقیق، تبیین درست و همه جانبه از شباهت‌ها و تفاوت‌های موضوع مورد تحقیق، (قراملکی، همان، ص ۲۹۵) آشنا شدن با بنیادهای فکری، فلسفی، علمی و... مکاتب، چگونگی شکل‌گیری آن‌ها، رصد میزان دخالت تعصب، انحراف و تداخل اندیشه‌های دیگران در مکتب، آگاه شدن از میزان افراط و تفریط‌گویی در مکتب، بررسی برنامه‌های ابداعی آن‌ها، میزان تأثیرپذیری از مکاتب قبل، میزان باردهی به آموزه‌های مکاتب و ادیان گذشته و... (قائمی، علی، ص ۲۵۵).

این روش از جمله روش‌هایی است که قرآن کریم برای ایجاد تحول در بینش مخاطب و اعطای بصیرت نافذ به او استفاده می‌کند.

آیاتی که به معرفی متقین و فجار، اهل ایمان و فسادانگیزان جامعه، (ص / ۲۸) معرفی گروه‌هایی مانند سابقون، اصحاب یمین و اصحاب شمال (واقعه / ۸ - ۴۷) یا استفاده از استفهام معرفت‌زا در برخی آیات (زمر / ۹)، از موارد استفاده از این روش است.

در میان خاورشناسان نیز افرادی از این روش برای رسیدن به حقیقت (ر.ک. به: پانل، آرتور، تورات و انجیل و قرآن و علم؛ بوکای موریس، مقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم) و یا... اثبات اخذ قرآن از کتب مقدس (ر.ک. به: یوسف دره حداد، القرآن والکتاب) بهره برده‌اند. افرادی مانند موریس بوکای نیز با مقایسه قرآن و کتب مقدس با علم روز بهره فراوانی از این روش برده‌اند.

۵. روش معناشناختی

معناشناسی مطالعه‌ای تحلیلی درباره واژه‌های اصلی زبان با هدف تبیین جهان‌بینی روشن از آن زبان یا دین است.

معناشناسی با این رویکرد گونه‌ای از «Weltans chungslehre»، یعنی علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان‌بینی یک ملت در فلان دوره خاص از تاریخ آن خواهد بود.

این مطلب توسط تحلیل روش‌شناختی مفاهیم و تصورات فرهنگی عمده‌ای که آن ملت برای خود فراهم آورده و در واژه‌های اصلی زبان آن ملت است، صورت می‌گیرد (ایزوتسو، توشی هیکو، خدا و انسان در قرآن، ص ۴). پژوهشگر در این روش با بررسی واژه‌های اصلی قرآن و سامان دادن یک شبکه معنایی به بررسی ارتباط آن‌ها می‌پردازد. با بررسی این ارتباطها معنای واژه به دست می‌آید و در واقع نوع جهان‌بینی قرآن در مورد آن واژه اصلی یافته می‌شود.

این روش در آثار خاورشناسانی مانند «ایزوتسو» ژاپنی به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. وی در آثاری مانند «خدا و انسان در قرآن» به بررسی واژگان اصلی و تحلیل‌های دقیق معنایی در یک شبکه گسترده از مفاهیم مرتبط می‌پردازد. در این پژوهش میدان‌های معناشناختی که خود در برگیرنده مفاهیم همسو می‌باشد، شکل می‌گیرد و ارتباط مفاهیم مطرح در آن با هم‌دیگر بررسی می‌شود. وی در این کتاب، روش‌شناسی معناشناختی ارکان مفاهیم را به دو قسم «اساسی» و «نسبی» تقسیم می‌کند. او می‌گوید: منظور از «اساس» در این روش مفاهیمی است که معنای خاصی را - بدون در نظر گرفتن شبکه معنایی در نظام عقیدتی خاص - به ذهن تبادر می‌دهد؛ به گونه‌ای که هر جا به کار می‌رود، آن معنای محوری به ذهن می‌رسد.

او ادامه می‌دهد: «این معنا تمام معنا در واژه مورد بحث نیست، بلکه هر گاه در یک شبکه معنایی قرار گیرد، مفهومی جدید می‌یابد. این تغییر به علت ارتباط با واژگان دیگر که در وضعی خاص قرار گرفته‌اند، پدید می‌آید» (همو، ص ۱۴). مشخص گردید که معنای اساسی یک واژه امری ذاتی و درونی است که همیشه از شنیدن آن واژه به ذهن می‌رسد، ولی معنای نسبی دلالتی ضمنی دارد و در نتیجه وضع خاصی که واژه پیدا می‌کند، به معنای اساسی پیوسته و افزوده می‌شود که در نظام جدید و مرتبط شدن با واژگان اصلی دیگر به دست می‌آید.

روش معناشناختی قرن‌ها در آثار دانشمندان اسلامی آن زمان که از دلالت الفاظ بحث می‌کنند، به کار می‌رفته است؛ اما آنچه در آثار مستشرقان آمده است، شکل و روش تازه‌ای است که قابل دقت و تأمل می‌باشد.

از این روش در برخی مقالات دایرةالمعارف‌ها به صورت ابتدایی‌تر استفاده شده است، مانند مقاله «قلب» در دایرةالمعارف قرآن لیدن (نویسنده مقاله

می‌گوید: در قرآن واژه‌هایی مانند فؤاد، صدر، لباب و نفس نیز وجود دارد که هم‌معنا و مرتبت با واژه قلب است، ولی در مقاله حاضر فقط مفهوم قلب بررسی می‌شود). گرچه نویسنده محترم می‌توانست با یک بررسی و چینش الفاظ مرتبط با واژه قلب، به یک نظام علمی دقیق دست یابد، زیرا از جمله اصول محوری در تجزیه و تحلیل‌های معنایی، بررسی دامنه و کانون الفاظ است (ر.ک. به: ایزوتسو، همان، ص ۳۳).

اگر این اصل نادیده گرفته شود، نتیجه به دست آمده نمی‌تواند بیانگر جهان‌بینی قرآن باشد، و باعث می‌شود محقق و خواننده متن در قضاوت دچار اشتباه گردند؛ مطلبی که در اغلب آثار خاورشناسان به چشم می‌خورد.

نتیجه

با شروع کار علمی مستشرقان در حوزه اسلام‌شناسی، روش‌های متنوعی در چگونگی بررسی‌ها و تحلیل‌ها به کار گرفته شد. در برخی آثار تنها از یک روش پژوهشی استفاده شده است و برخی آثار دیگر از ترکیب چند روش بهره‌جسته‌اند؛ مهم‌ترین این روش‌ها روش جامعه‌شناختی، پدیدارشناسی، روان‌شناسی، تطبیق یا مقایسه و معناشناختی است. در برخی از آثار که به صورت مقاله‌ارایه شده است، از روش خاص اما ناقص بهره‌جسته‌اند که آثار آن نتایج ناصحیح از موضوع مورد تحقیق است.

منابع

۱. ایزوتسو، توشی هیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. بورلو، ژوزف، تمدن اسلامی، اسدالله علومی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
۳. بوکای، موریس، مقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم، مهندس ذبیح‌الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۴. جمعی از مستشرقان، دایره المعارف قرآن لیدن.
۵. حمدی زقزوق، محمود، اسلام و غرب، ترجمه: حجت الله جودکی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۷.
۶. رژه و رنو و دیگران، پدیدار شناسی و فلسفه‌های هست بودن، مجله فرهنگ، ش ۱۱، پاییز ۱۳۷۱.
۷. همان، ش ۱۸، تابستان ۱۳۷۲.
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، مقاله «قرآن و فرهنگ زمانه»، فصلنامه معرفت، ش ۲۶.
۹. ریچارد، بل، درآمدی بر تاریخ قرآن، بهاء الله خرمشاهی.
۱۰. ژوزف، شهود، جهان اسطوره‌شناسی؛ اسطوره در جهان عرب و اسلام [مجموعه مقالات] مقاله ساختارهای اندیشه اسطوره‌ای اعراب، ترجمه جلال ستاری، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۴.
۱۱. فرامرز قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۵.
۱۲. قائمی، علی، روش تحقیق در یک مکتب، دارالتبلیغ اسلامی، قم، ۱۳۵۸.
۱۳. مونتگمری وات، ویلیام، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه: اسماعیل والی‌زاده، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۴ ش.
۱۴. نکونام، جعفر، روش تحقیق با تأکید بر علوم انسانی، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۶.
۱۵. همو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه: فریدون بدره‌ای، نشر و پژوهش فرزانه، تهران ۱۳۷۸ ش.
۱۶. یوسف دره حداد، ارشمتیدریت، القرآن و الكتاب، بی‌نا، ۲۰۰۴ م.